

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۵/۵/۳۷ ✓



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

اندیشه سیاسی

محمد مهدی شمس الدین

استاد راهنما:

حجة الاسلام دکتر داود فیرحی

استاد مشاور:

حجة الاسلام دکتر منصور میراحمدی

نگارنده:

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۳

مجید مرادی رودپشتی

مجلس شورای اسلامی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۸۵

۱۵ / ۱۰ / ۱۳۸۷

تقدیم

این پژوهش را تقدیم می‌کنم به روح چهره‌ای درخشان در اندیشه اسلامی معاصر،
متفکر فقیه معاصر علامه محمد مهدی شمس‌الدین (ره)

تقدیر و تشکر

به حکم قدرشناسی و پاس حریم دانش و آگاهی از جناب دکتر داود فیرحی استاد راهنمای محترم به سبب راهنمایی‌ها و یاری‌های راه‌گشایشان سپاسگزارم.

هم‌چنین از جناب دکتر منصور میراحمدی استاد مشاور محترم به سبب تذکرات مفیدشان سپاسگزارم.

چکیده

نظریه نظام سیاسی ولایت امت بر خویش از جدیدترین نظریه‌های شیعی است که مدعی الگویی است که به اختلافات تاریخی میان مذاهب اسلامی بر سر مسأله دولت پایان می‌بخشد و دلیل آن این است که این نظریه، مبانی کلامی دو نظریه اصلی دولت یعنی خلافت نزد اهل سنت و ولایت نزد شیعه را مرتبط با دوره زمانی‌ای می‌داند که سپری شده است، زیرا خلافت نماد روندی تاریخی و نه مستند به نص بوده و امامت شیعه به رغم استناد به نص و اصالت آن، با آغاز دوره غیبت کبری، کارکرد سیاسی‌اش را از دست داده و نیابت از امام معصوم (ع) هم اگر در پاره‌ای امور حسیه و در شرایط خاص در عصر غیبت پذیرفته شد، در مسأله نظام سیاسی و دولت‌مبنایی ندارد و با آغاز غیبت کبری، امت خود حاکم بر سرنوشت سیاسی خویش است و برخوردار ولایت دارد.

شمس‌الدین در طرح و احیای این نظریه از عواملی مانند اندیشه و رفتار استادش سید محسن حکیم، نظریه سیاسی محمد باقر صدر و فضای سیاسی متنوع و متکثر لبنان و به ویژه درگیری‌های دو جنبش شیعی حزب الله و امل متأثر بوه است.

تفکیک دوره حضور معصوم از دوره غیبت، تفکیک میان احکام تشریعی و احکام تدبیری، اصل اولیه عدم ولایت، ولایت امت در منطقه الفراغ، مطلوبیت دموکراسی و نسبت آن با شورا و عرفی بودن ذات قدرت از مهم‌ترین مبانی فقهی - کلامی نظریه نظام سیاسی ولایت امت است.

ساختار نظام سیاسی ولایت امت بر مبنای رویکردی ایجابی به اصل تأسیس نظام سیاسی و مشروعیت آن در عصر غیبت استوار است و کاملاً دموکراتیک است.

این نظام سیاسی به لحاظ کارکردی، در مرکز تصمیم‌گیری، نهاد شورا (مجلس شورا) را قرار می‌دهد و دامنه قدرت را محدود به حداقل حوزه عمومی می‌داند و حوزه خصوصی را جز در حد لزوم مستثنا از حیطه اعمال قدرت می‌داند و جریان قدرت در این نظام سیاسی، دموکراتیک و از پایین به بالا است.

فهرست مطالب

بخش اول: طرح تحقیق و چارچوب نظری:..... ۱

۱. بیان مساله ۲

۲. علت انتخاب موضوع ۲

۳. سابقه پژوهش ۳

۴. سؤال اصلی ۳

۵. فرضیه های پژوهش ۴

۶. سازماندهی تحقیق ۴

فصل اول: روش شناسی تحقیق:..... ۵

روش شناسی تحقیق ۶

نظریه های دولت ۸

پیدایی و تحول نظریه های دولت در اسلام ۱۰

مدل تحلیل ۱۳

بخش دو: منابع و مبانی نظام سیاسی ۱۶

ولایت امت ۱۶

منابع نظری نظام سیاسی ولایت امت ۱۸

دلایل وجوب حکومت ۱۸

دلایل عقلی ۲۲

دلیل نقلی ۲۲

فصل دوم: مبانی اجتماعی - تاریخی ۲۴

تأسیس حزب الدعوة ۳۳

بازگشت به لبنان ۳۵

برآمدن جنبش امل ۳۶

| | |
|----------|---|
| ۴۲..... | شکستگی حزب الله |
| ۴۵..... | درگیری های دو حزب شیعی امل و حزب الله |
| ۵۲..... | تنوع مذهبی و طایفه ای لبنان |
| ۵۶..... | فصل سوم: مبانی فقهی کلامی |
| ۵۶..... | نظام سیاسی ولایت امت |
| ۵۷..... | مبانی فقهی کلامی نظام سیاسی ولایت امت |
| ۵۷..... | الف: اصل عدم ولایت |
| ۶۲..... | ب) تعطیل مبانی کلامی نظریه های قدیم دولت اسلامی (امامت و خلافت) |
| ۶۳..... | ج) انعطاف شریعت اسلام |
| ۶۷..... | د: تفکیک دوره غیبت امام از دوره حضور |
| ۶۸..... | ه: تفکیک میان احکام تشریحی و احکام تدبیری |
| ۷۰..... | و) ولایت امت در منطقه الفراغ تشریحی |
| ۷۳..... | ز) مطلوبیت دموکراسی به عنوان ساز و کار حکومت |
| ۷۹..... | ح) عرفی بودن قدرت |
| ۸۳..... | بخش سوم: ساختارها و کارکردهای نظام سیاسی ولایت امت |
| ۸۴..... | فصل چهارم: ساختار نظام سیاسی ولایت امت |
| ۸۵..... | ۱) ساختار نظام سیاسی ولایت امت |
| ۸۶..... | ۱ - عناصر و نهادهای نظام ولایت امت |
| ۸۸..... | ب) نهاد قضا |
| ۹۰..... | ج) پارلمان |
| ۹۱..... | ۲ - مرزهای قدرت در نظریه ولایت امت بر خویش |
| ۹۴..... | شبکه قدرت |
| ۹۵..... | الف) اقلیت ها یا افراد بی طرف |
| ۱۰۰..... | ب) حمایت کنندگان |
| ۱۰۱..... | زن در نظریه ولایت امت |
| ۱۰۴..... | ج) فعالان نظام سیاسی ولایت امت |
| ۱۰۵..... | د) نظام ولایت امت و مسلمانان خارج از دولت |
| ۱۰۶..... | فصل پنجم: کارکرد دولت در نظام سیاسی ولایت امت |

| | |
|----------|-------------------------------------|
| ۱۰۷..... | کارکرد دولت در نظام سیاسی ولایت امت |
| ۱۰۷..... | ۱ - مرکز تصمیم‌گیری؛ نهاد شورا |
| ۱۱۱..... | ۲ - دامنه قدرت |
| ۱۱۵..... | ۳ - جریان قدرت |
| ۱۲۴..... | نتیجه‌گیری |
| ۱۳۲..... | فهرست منابع |

بخش اول:

طرح تحقیق و چار چوب نظری

۱. بیان مساله

در سده اخیر و هم زمان با جنبش مشروطه ۱۲۸۵ ش در ایران و پس از آن در زمان الغای خلافت عثمانی ۱۹۲۴ و بعد از آن نظریه‌های مختلف و متنوعی در باب دولت در اسلام مطرح شد که هر کدام به گونه‌ای به بحران زمانه خود پاسخ گفتند. در میان اهل سنت نظریه‌های خلافت جدید و حاکمیت الهی و در میان شیعه نظریه‌های ولایت فقیه با طیف‌های متنوع، سلطنت مشروطه، خلافت امت و نظارت مرجعیت و وکالت مالکان مشاع مطرح شده است.

نظریه «ولایت امت بر خویش» که از سوی محمد مهدی شمس الدین طرح شد یکی از نظریه‌های جدید دولت در میان شیعه است که از ویژگی‌های منحصر به فردی چون گسست از نظام های سیاسی قدیم و تأسیس نظری برای دولت در مقطع زمانی‌ای خارج از شمول نص که نتیجه آن آزادی مطلق مسلمانان در دوران غیبت کبرا در تشکیل حکومت متناسب با زمانه است و باور به تعلیق ولایت سیاسی امام معصوم در دوران غیبت و منحصر دانستن ولایت سیاسی امام به زمان حضور، برخوردار است. از دیگر ویژگی‌های این نظریه رویکرد مثبت آن به سازوکارهای جدید و مثبت بر آمده از تمدن و تجربه سیاسی غرب است.

این پژوهش در پی ایضاح منابع و مبانی و ابعاد ساختاری و کارکردی نظریه دولت ولایت امت است.

۲. علت انتخاب موضوع

علت انتخاب موضوع نظریه دولت در اندیشه سیاسی شمس الدین گذشته از علاقه شخصی به این موضوع آن است که وی در باب نظام سیاسی، نظریه‌ای تأسیسی و گسسته از دیگر

نظریات «نظام سیاسی متفکران» در انیشه اسلامی و مورد توجه متفکران مسلمان - شیعه و سنی - بوده و برخلاف غالب نظریه‌های دولت که میان شهروند مسلمان و غیر مسلمان تمایز قائل است، حقوق کامل شهروندی را برای تمامی افراد تابع دولت قائل می‌شود.

۳. سابقه پژوهش

تاکنون شماری از مقالات و پایان‌نامه به بررسی اندیشه سیاسی شمس‌الدین پرداخته‌اند، دکتر حسین رحال در پایان‌نامه دکترایش با عنوان «اشکالیات التجدید دراسة في ضوء علم اجتماع المعرفة»^۱ به مطالعه سیر تحول نواندیشی چند متفکر و از جمله محمد مهدی شمس‌الدین پرداخته است. همچنین دکتر علی اکبر کمالی اردکانی در پایان‌نامه دکترایش با عنوان «دولت انتخابی اسلامی» نظریه سیاسی شمس‌الدین را با نظریه سیاسی مهدی حائری یزدی مقایسه کرده است.^۲ اما در باب تحلیل سیستمی نظریه‌های دولت، کتاب «نظام سیاسی و دولت در اسلام» تألیف دکتر داود فیروزی که به مطالعه دو نظریه سلطنت مشروطه اسلامی و ولایت فقیه پرداخته، تنها اثری است که در موضوع خود تاکنون عرضه شده است و پژوهش حاضر - در بخش تحلیل سیستمی نظریه ولایت امت بر خویش - در ادامه آن است و الگوی خود را از آن اخذ نموده است.

۴. سؤال اصلی

سؤال اصلی این پژوهش آن است که نظریه دولت ولایت امت چه منابع و مبانی و ساختار و عناصر و کارکردهایی دارد؟

^۱ - ر.ک حسین رحال، اشکالیات التجدید دراسة في ضوء علم اجتماع المعرفة، بیروت، دارالهادی، ۲۰۰۱.

^۲ - ر.ک علی اکبر کمالی اردکانی، دولت انتخابی اسلامی، تهران، کویر، ۱۳۸۳.

۵. فرضیه های پژوهش

فرضیه های پژوهش عبارت است از:

۱- ساختار عمومی نظریه دولت ولایت امت مبتنی بر رویکردی ایجابی نسبت به نظام سیاسی و نفی ولایت سیاسی فقها در عصر غیبت است و به رغم برخی اختلافات بر تجربه دموکراسی غربی استوار است.

۲- نظریه ولایت امت بر خویش، کارکردی دموکراتیک و غیر اقتدار گرا دارد.

هدف این پژوهش نشان دادن ماهیت رابطه میان عناصر ساختاری نظریه ولایت امت به منظور ایضاح تفصیلی و شناسایی جزئیات نظام سیاسی ملحوظ در این نظریه و نیز نشان دادن وظایف و نقشی است که فعالیت هر جزء یا بخش خاص از نظام ولایت امت در مجموعه وکل نظام سیاسی ایفا می کند.

۶. سازماندهی تحقیق

این پژوهش در سه بخش و شش فصل و یک نتیجه گیری سامان یافته است.

بخش اول: طرح تحقیق و چارچوب نظری.

مقدمه: طرح تحقیق.

فصل ۱: چارچوب نظری.

بخش دوم: منابع و مبانی نظام سیاسی ولایت امت.

فصل ۲: منابع نظام سیاسی ولایت امت

فصل ۳: مبانی تاریخی - اجتماعی نظریه نظام سیاسی ولایت امت.

فصل ۴: مبانی کلامی - فقهی نظام سیاسی ولایت امت.

بخش سوم: ساختارها و کارکردهای نظام سیاسی ولایت امت.

فصل ۵: ساختار نظام سیاسی ولایت امت.

فصل ۶: کارکردهای نظام سیاسی ولایت امت.

نتیجه گیری

فصل اول:

روش شناسی تحقیق

روش شناسی تحقیق

واژه دولت از واژه‌هایی است که به سبب گستره و تنوع کارکردهایش بیشترین کاربرد را در زندگی روز مره انسان‌ها دارد. دولت از کهن‌ترین و تقریباً جهانی‌ترین نهادهای بشری است و ضرورت آن همواره از سوی متفکران مورد تأکید بوده است. اگرچه در سطح نظری و ذهنی، تصور جامعه بدون دولت از سوی پاره‌ای از متفکران شده و آنان از حیات اجتماعی در وضع آنارشی سخن گفته‌اند، ولی «نمونه ثبت شده‌ای از یک جامعه واقعی گذشته و حال وجود ندارد که برای مدتی طولانی بدون هیچ دولتی به فعالیت ادامه دهد»^۱ اما حقیقتاً دولت چیست؟ نخستین تعریفی که از دولت در ذهن نقش می‌بندد این است که دولت، سازمانی اجتماعی است و به تناسب جوامع و ملت‌ها و دوره‌ها از درجات مختلفی از سادگی و پیچیدگی برخوردار است. اما دولت به سبب برخی ویژگی‌هایش از دیگر سازمان‌های اجتماعی تمایز و بر آنها تفوق دارد.

بنابر تعریف ماکس وبر:

^۱ - آستین رنی، حکومت: آشنایی با سیاست، ترجمه لیلا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۴، ص ۱۳.

«دولت (نظام سیاسی) اجتماع انسانی‌ای است که مدعی انحصار کاربرد

مشروع زور جسمانی در داخل سرزمین معین است.»^۱

و بنا بر تعریفی دیگر:

«دولت مجموعه‌ای از افراد و نهادهاست که قوانین فائده در یک جامعه را

وضع و با پشتوانه قدرت برتری که در اختیار دارند اجرا می‌کنند.»^۲

مهم‌ترین ویژگی دولت این است که دارای اقتداری فراگیر است که حاکم بر افراد و دیگر سازمان‌های اجتماعی است. قوانین هیچ یک از سازمان‌های اجتماعی قابل تعمیم به همه نیست، اما قوانین دولت همه افراد جامعه سیاسی را شامل می‌شود. «ویژگی‌های دیگر دولت نخست این که از نظر جغرافیایی در سرزمین مشخصی واقع است و بر آن حکمرانی می‌کند. در درون چنین سرزمینی مردمی زندگی می‌کنند که بسیاری از آنان شهروند به شمار می‌روند...

هردولتی معمولاً در درون سرزمین خاصی مدعی سلطه یا تفوق بر کل سازمان‌ها و تشکلات یا گروه‌های داخلی است، عملکرد مرسوم در رابطه میان دولت و گروه‌های داخلی این است که دولت یگانه تشکل صاحب اقتدار تلقی می‌شود...

دولت هم چنین برخلاف گروه‌های داخلی دارای بیشترین میزان سلطه بر منابع و وسایل اجبار است. زوری که دولت اعمال می‌کنند از دیگر انواع زور متمایز است. دولت برای انجام دادن اعمال لازم واجد اقتدار و آمریت است و انحصار قدرت در دست آن لازم و قانونی شناخته می‌شود.»^۳

ویژگی دیگر دولت این است که بر خلاف دیگر سازمان‌های اجتماعی که عضویت در آنها ارادی است عضویت اولیه در یک کشور غیرارادی است.

^۱ - عبدالرحمان عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ چهارم ۱۳۷۷، ص ۱۵۰.

^۲ - اندرو رینسنت، نظریه‌های دولف ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱، ص ۴۱.

^۳ - همان، ص ۴۲.

نظریه های دولت

ویژگی هایی که برای دولت بر شمرده شد، بیشتر وجوه صوری دولت را بیان می کند و نشان دهنده همه ابعاد دولت مانند منشأ و ماهیت و منبع مشروعیت قدرت سیاسی نیست. دولت ها گذشته از ویژگی های ذاتی اشان مانند اقتدار فراگیر، انحصار کاربرد زور، انحصار وضع قانون عام، اجرای قوانین و غیرارادی بودن عضویت افراد در آن، دارای منشأ و ماهیتی هستند و به منبع خاصی از مشروعیت مستندند.

کاری که نظریه های دولت می کنند این است که به پرسش هایی از این دست پاسخ می گویند

که

«چرا باید اطاعت کرد؟ اصولاً خاستگاه دولت و ضرورت دولت چیست؟»

قدرت دولت را چه کسانی و به چه دلیل در دست دارند؟ مرزهای قدرت

دولت تا کجاست؟ چگونه می توان قدرت دولت را مهار کرد؟ و بر آن

نظارت نمود؟ دولت با چه مکانیسم هایی اعمال قدرت می کند؟ و سرانجام

غایت قدرت و هدف دولت چیست؟ قدرت چگونه توزیع و چگونه جابه

جا می شود؟»^۱

در نظریه های دولت، منشأ و خاستگاه دولت مورد بررسی قرار می گیرد. در نظریه های

اسلامی دولت، خاستگاه دولت میان حق الهی و عقد اجتماعی و حق طبیعی در نوسان است.

طبیعی است که دولت اساساً متکی بر اطاعت مردم از قدرت و تن در دادن مردم به قوانین

آن است و این امر مستلزم فراهم بودن عوامل توجیهی مشروعیت بخش در یک نظریه است.

نظریه های دولت در اسلام هر کدام می کوشند تا به مدد نص و حیانی و سنت و سیره پیامبر

و میراث تاریخی اسلامی برای خودکسب مشروعیت کنند.

۱. دآرد فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۳، ص ۱۲.

مشروعیت یافتن نظریه‌های دولت در اسلام آنها را در دژ استوار و مصون از تعرض قرار می‌دهد و از آن رو که این نظریه‌ها خود را مستند به نص و حیانی می‌دانند، مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه یا اعمال قدرت شرطی و اقدامات جزائی یا اعمال قدرت تنبیهی در مورد کسانی که قصد تمرد از قوانین و مقررات این دولت را دارند تدارک می‌بینند. گویا قداست موجود در نص دینی به دولت اسلامی هم سرایت می‌یابد و از این رو است که در نظریه‌های دولت اسلامی کسی که از دولت سرپیچی کند و مشروعیت آن را به رسمیت نشناسد گویا از شرع مقدس سرپیچی کرده است. به این ترتیب آن ضرورت عقلانی‌ای که اصل وجود دولت در میان همه ملل از آن برخوردار است در میان مسلمانان مستند به شریعت و نصوص شرعی نیز هست. نظریه‌های دولت در اسلام از یک حیث قابل تقسیم به دو دسته‌اند: ۱. نظریه‌هایی که به توجیه و مبنایزدایی برای نظام سیاسی موجود و متداول و تجربه شده - مانند نظام خلافت در اهل سنت و نظام سلطنت در میان شیعه - می‌پردازند. ۲. نظریه‌هایی که معطوف به الگوی حقیقی و اصیل نظام سیاسی در اسلام است.

براساس نوع نگاهی که نظریه‌های دولت به چرایی و چگونگی و خاستگاه دولت و چگونگی توزیع و جابه‌جایی قدرت دارند، می‌توان آنها را طبقه‌بندی کرد.

«شاید بتوان گفت که مهم‌ترین معیارهای طبقه‌بندی تئوری دولت، عبارتند از منشأ و ماهیت دولت، غایت دولت، حدود آزادی فرد و اقتدار دولت و منبع مشروعیت قدرت سیاسی. اصولاً مهم‌ترین نظریاتی که درباره دولت عرضه شده‌اند، معطوف به منشأ، ماهیت و غایت دولتند و نظریات دیگر هم مآلاً در ذیل همین تئوری‌ها قرار می‌گیرند. مثلاً وقتی دولت را ادامه خانواده و جامعه مدنی و شرط تکامل آزادی و خود آگاهی فرد می‌دانیم. آن را به عنوان پدیده‌ای «طبیعی» تلقی می‌کنیم؛ و یا وقتی آن را حاصل قرار داد و توافق افراد می‌شماریم، از آن به عنوان پدیده‌ای

ساختگی یاد می‌کنیم و باز هم وقتی دولت را پدیده‌ای مصنوع اما حاصل اجبار بخشی از جامعه نسبت به بخشی دیگر در نظر می‌گیریم آن را پدیده- ای نه قرار دادی بلکه اجبار آمیز تلقی می‌کنیم.

... طبقات ثنوری‌های حقوقی دولت بر اساس معیار منبع مشروعیت قدرت سیاسی بهتر مشخص می‌شوند.

این که قدرت دولت را ناشی از خداوند یا حقوق طبیعی و یا خواست مردم تلقی کنیم، بر میزان قدرت دولت و حدود آزادی فرد تأثیر می-

گذارد.»^۱

پیدایی و تحول نظریه‌های دولت در اسلام

به نظر می‌رسد اگرچه در تاریخ اسلام پس از پیامبر(ص) نخستین دولت‌های اسلامی راکسانی اداره کردند که بعدها در اردوگاه اهل سنت و جماعت قرار گرفتند. اما نخستین نظریه دولت را اقلیتی مسلمان به نام شیعه وضع کرد که به سازوکار انتخابی - و البته آن هم مشکوک - تعیین خلیفه پیامبر(ص) معترض بود و آن را موکول به نص و سنت پیامبر(ص) می‌دانست که تصمیم‌گیری درباره آن به مردم سپرده نشده است و بدین گونه نظریه امامت شیعی قد علم کرد. در مقابل، نظریه خلافت سنی هم به مرور زمان شکل گرفت تا اکثریت مسلمان در برابر اقلیتی که نظریه مشخصی درباره دولت دارند دست بسته نمانده باشد. نظریه خلافت سنی بیشتر ریشه در تجربه تاریخی اسلامی دارد تا ریشه در اصول و ادله منصوص شرعی.

نظریه خلافت اهل سنت تا زمان فروپاشی عثمانی همچنان بانوسان‌هایی که در قالب و منبع مشروعیت به خود دید خود را حفظ کرد، تا در سال ۱۹۲۴م این نظام در معرض هجوم لائیک‌های مسلمان و جوان ترکی قرار گرفت که متأثر از مؤلفه‌های جدید دولت در غرب و به

۱. آندرو وینسنت، پیشین، مقدمه مترجم، ص ۸ - ۷.

ویژه ناسیونالیسم و تجدد بودند و هم آنان این نظام را از بیخ برکنند و مجال تجزیه امپراطوری خلافت عثمانی را که غالب جهان عرب را تحت شمول خود داشت، به کشورهای کوچک و بزرگ با دولت‌هایی مستقل فراهم کردند.

شاید نخستین نظریه جدید دولت را میان اهل سنت از سوی علی عبدالرازق متفکر مصری عرضه شد که چهار سال پیش از نحلال خلافت عثمانی با انتشار کتاب الاسلام و اصول الحکم جنجال بزرگی را برانگیخت. بی‌گمان آشنایی با غرب و تجدد غربی و ارزش‌های مدرن غربی در حوزه دولت و سیاست و التفات به ناکارآمدی الگوی کهنسال دولت خلافت او را به نقطه‌ای کشاند که اساساً وجود دولت اسلامی را در زمان پیامبر(ص) منکر شد. پس از وی حسن البنا با تأثیرپذیری از رشید رضا نظریه دولت اسلامی را که باطناً همان خلافت اسلامی - با برخی تعدیل‌ها و تفاوت‌ها - است مطرح کرد و در امتداد آن نظریه حاکمیت الهی که نظریه‌ای بسیار افراطی و تکفیرگر است از سوی سیدقطب ظهور کرد.

اما در میان شیعه بلافاصله پس از غیب کبرای امام دوازدهم، شیعه مبنا و نظریه جدیدی برای دولت نیافت و در دوره نخست پس از غیبت کبرا، اصل و اساس دولت در زمان غیبت، نامشروع و حکومت جور تلقی شد و ردپای تلقی اصل دولت به عنوان جور در نظریه‌های متأخر شیعی نیز وجود دارد. تا این که در دوران صفویه نخستین نظریه دولت شیعی پس از عصر غیبت در شکل نظریه ولایت فقیه مطرح می‌شود. و چنان که دکتر علی شریعتی در کتاب تشیع صفوی و تشیع علوی به درستی توضیح می‌دهد، تشیع از یک جنبش [معارض] به یک نظام تبدیل می‌شود نظریه ولایت فقیه در دوره قاجار بیش از پیش مبنا پردازی شد و بیش از همه فقها، محمد مهدی نراقی آن را بسط داد.

در دوره مشروطه با نظریه شیعی دیگری که «سلطنت مشروطه اسلامی» نام دارد و نظریه - پردازان آن مانند محلاتی و نائینی با تلفیق عناصری از نظریه ولایت فقیه و نظریه‌های دموکراتیک غربی نظریه تازه‌ای را در باب دولت در عصر غیبت طرح‌ریزی کردند که به رغم

رویکرد سلبی به دولت، عناصر مثبت فراوانی مانند تحدید قدرت، حق انتخاب مردم و اعتبار رأی اکثریت در خود نهفته داشت.

پس از حدود نیم قرن از شکست مشروطه، بار دیگر به قرائتی تازه از ولایت فقیه می‌رسیم که به وسیله امام خمینی عرضه شد و در آن جایی برای سلطنت و سلطان نیست، سلطنت اساساً نامشروع است و حکومت اسلامی، حق فقیه دانسته می‌شود. به موازات این نظریه، نظریه دیگری به نام خلافت امت و نظارت مرجعیت از سوی محمد باقر صدر عرضه شد که آن هم رویکردی ایجابی به دولت داشت و نظریه "ولایت امت" تا حد زیادی از آن متأثر است.

در یکی دو دهه آخر قرن بیستم؛ با دو نظریه مشابه مواجه می‌شویم که یکی از آن دو نظریه ولایت امت بر خویش (موضوع این پایان‌نامه) است که از سوی محمد مهدی شمس‌الدین ارائه شد و دیگری نظریه وکالت مالکان شخصی مشاع که از سوی مهدی حائری یزدی عرضه شد. نظریه وکالت مالکان شخصی مشاع، دولت را وکیل شهروندانی می‌داند که بنا به حقی طبیعی - و نه قراردادی - مالک حکومت هستند و این مالکیت هم نه مالکیتی شخصی بلکه مشاع و غیرانحصاری است. ماهیت دولت در این نظریه چیزی جز وکالت نیست.

اما نظریه ولایت امت که به تفصیل در این پژوهش بررسی خواهد شد نظریه‌ای دموکراتیک و مبتنی مبنای فقهی و کلامی‌ای است و گسستی اساسی از نظریه‌های پیشین شیعی را رقم زده است و تفاوت آن با نظریه حائری یزدی در این است که دولت را در زمان پیامبر اسلامی (ص) و حضور امامان (ع) حق آنان می‌داند و در این مقطع حق انتخابی برای مردم نمی‌شناسد، ولی پس از غیبت کبرا، ولایت را از آن خود امت می‌شمارد.